

گفت و گوی اختصاصی گلستانه با پریموز گراچیچ گیتاریست گروه مانفرد پیوزل

تهیه و تنظیم: شروین شهامی پور - سهراب محبی

گیتاریست



پریموز گراچیچ در سال ۱۹۶۸ در اسلوانی متولد شد. پس از اتمام دوره دبیرستان برای فراگیری گیتار به کنسرواتوار کلاگنیفورت اتریش می‌رود. به زودی گروه‌ها و ارکسترهای جَز از وجود این موزیسین جوان اما مستعد باخبر می‌شوند و پس از پایان مسابقه با موفقیت مدیون گروه جاز گرین تاون **Greentown Jazz band** می‌شود. از سال ۹۱ فعالیتش را با گروه بزرگ رادیو و تلویزیون اسلوانی آغاز و با گروه‌های زیادی همکاری می‌کند. او برای ضبط بسیاری از آثار ارکستر سمفونیک رادیو و تلویزیون و ارکستر بزرگ، گیتار می‌زند.

همکاری او با **Janez Bončina - Benc** برایش دو جایزه از **IPJ - International Professional Juries** به ارمغان می‌آورد. در سال ۹۵ نامزد دریافت جایزه موسیقی خروس طلایی برای بهترین تنظیم قطعه خارجی می‌شود.

او به عنوان موزیسین استودیویی در ضبط بیش از ۶۰ آلبوم، همکاری داشته است. در جولای ۹۲ در یکی از بزرگترین فستیوال‌های جَز اروپا در ایتالیا به اجرای برنامه می‌پردازد. گراچیچ تا کنون به صورت تک‌نفره و با به همراه گروه‌های دیگر در فستیوال‌های جَز بسیاری در آمریکا، کانادا، آلمان، سوئیس، انگلستان، ایرلند، فرانسه، ایتالیا و هلند شرکت کرده است.

در سال ۹۵ او تحت نام **Primoz Gracich Trio** آلبومی به همراه **M. Drew** و **N. Pedersen** روانه بازار می‌کند که نامزد دریافت جایزه برای بهترین آلبوم جَز در کراسی می‌شود. در سال ۹۶ او در یک گروه سه نفره به همراه نوازنده معروف باس **Steve Swallow** و نوازنده تروم **Dennis McCrell** در **European Jazz Night** اجرا می‌کند.

در سال ۹۷ دو جایزه از بزرگترین جایزه موسیقی اسلوانی در زمینه جَز برای آلبوم **Noc ima Tisoc Oci**، شب یک‌هزار چشم دارد. دریافت می‌کند. تا سال ۹۹ به همراهی نوازندگان دیگر در اکثر فستیوال‌های جَز شرکت می‌کند. در سال ۲۰۰۰ او با آرن اسکدمور و نایجل هیچکاک دو تن از مشهورترین نوازندگان ساکسوفون انگلستان کار می‌کند.

او نزدیک دو سال است که با گروه مانفرد پیوزل همکاری دارد.

لطفاً کمی راجع به خودتان بگویید.

خب، سخته که بخواهم راجع به خودم حرف بزنم... من یک موزیسین استودیویی و گیتاریست هم هستم و برای گروه‌های بزرگ، موسیقی تنظیم می‌کنم. پس موسیقی هم می‌نویسم و برای گروه بزرگی در رادیو اسلوانی کار می‌کنم. فقط جزئی‌نم‌نم و در زمینه‌های دیگری مثل پاپ، راک و کلاسیک نیز فعالیت دارم. بیست سال است که در این کار هستم و حالا ۲۲ سال دارم. با گروه‌های جز زیادی در سراسر دنیا کار کرده‌ام. فکر می‌کنم حدود ۱۵ تا ۲۰ بار در آمریکا و همین‌طور به تمام اروپا سفر کرده‌ام و با گروه‌های پاپ بزرگی گیتار زده‌ام. بنابراین این شغل منته

چطور شد که به ایران آمدید؟

این‌که چطور شد به این‌جا آمدم خیلی جالبه گاهی اوقات با مانفرد بوزل کار می‌کنم به نوعی در یک کارگاه، در یک مدرسه تدریس نوازندگی می‌کنم. یکبار مانفرد بهمون تلفن کرد و گفت که باید به ایران بیروم و من گفتم: چه طوری؟ من نمی‌تونم تصور کنم که دادن کنسرت جز در ایران چطور خواهد شد؟ می‌دونید، ما ایران رو می‌شناسیم اما نه به‌وسیلهٔ جز. برابم خیلی شگفت‌انگیز بود وقتی که دیدم شب اول کنسرت تمام صندلی‌ها پر شده بود و واقعاً شنوندگان بی‌ظنری بودند. چطور بگم درست مثل اجرا در آمریکا بود این واقعاً عجیب بود چون می‌دانید مردم ایران اجراهای جز زیادی ندیده‌اند و من واقعاً شگفت‌زده شده بودم. من در تمام دنیا کنسرت داده‌ام اما شنوندگان ایرانی واقعاً بی‌ظنر بودند. من خیلی مشتاقم که باز هم به ایران سفر کنم.

آیا شما با موسیقی کلاسیک شروع کردید؟

بله من با گیتار نوازی معمول و مدرسه‌ای شروع کردم با تعدادی از هم‌مدرسه‌ای‌هایم یک گروه پاپ داشتیم. پس از آن طبیعتاً به مدت یک سال به‌ارتش رفتم و برای تحصیل به‌ارتش برگشتم به کنسرواتوار جز رفتم. سه سال در آن‌جا درس خواندم و آمادگی این کار یا چند گروه را پیدا کردم تا حالا با هفت، هشت گروه مختلف گیتار زده‌ام. خیلی سریع می‌تونم نت بخوانم و با کسان مختلفی به‌صیبط پرداخته‌ام. فقط مشغول انجام کارم هستم.

شما در کنسرت، هم با مضرب و در عین حال با شست و انگشت گیتار می‌زنید. ممکن است کمی در این مورد صحبت کنید. آیا این ترکیبی از تکنیک‌های مختلف است؟

بله تکنیک‌های مختلفی برای نوازندگی گیتار وجود دارد. بعضی‌ها فقط با مضرب می‌زنند و کسانی هم مثل پس مونته‌گمری که نوازندهٔ گیتار جز بود فقط با انگشت شست گیتار می‌زد و جو پس، هم با مضرب و هم با انگشت می‌زد. من می‌تونم با تمام این شیوه‌ها کار کنم.

**به ما گفتند
باید به تهران بروم
من گفتم
«می‌خواهیم اون‌جا چه کار کنیم؟»**

مانفرد گفت

«می‌خواهیم جز بزنیم»

من گفتم

«واقعاً نمی‌توانم باور کنم

فکر نمی‌کنم خوب بشه»

اما خوب شد

و

عالی هم بود

شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال جامع علوم انسانی

من همیشه همان چیزی را که با گیتار می‌زنم خودم می‌خوانم. اگر هنگام گیتار زدن یک میکروفون جلوی دهانم بگیریم، همان چیزی را که در حال نواختن هستیم، می‌خوانم. این به‌منظور طبیعی‌تر و انسانی‌تر می‌آید. این شیوهٔ جرج پسون بود، او هم موقع گیتار زدن همان‌تصاها را با دهان می‌خواند.

شیوهٔ دست راست شما که گاهی با شست می‌زنید، آدم را به یاد مارک ناقلر می‌اندازد آیا هیچ وجه مشترک و شباهتی با او دارد؟

مارک ناقلر فقط با انگشت گیتار می‌زد ولی این شیوه با شست زدن، متعلق به مونته‌گمری است. وقتی با شست می‌زنید، صدای گیتار خیلی شفاف به‌گوش نمی‌رسد و صدای خیلی خوبی می‌دهد. حجم صدا با مضرب بیشتر می‌شود اما شست صدا را خفه و نرم می‌کند. وقتی با سیم دوم و چهارم و یا اول و سوم دیبله نت می‌زنید باید صدای سیم بین آن‌ها به‌صورت بی‌صدا Mute بشود. اگر بخواهید با مضرب بزنید این صدا را نمی‌شنوید و این مشکل مضرب است.

به‌منظور شما روح موسیقی مهم‌تر است یا تکنیک؟ آیا اصلاً می‌شود این دو را با هم مقایسه کرد، یا این‌که هر دو باید با هم وجود داشته باشند؟

نه، نمی‌شود این‌ها را با هم مقایسه کرد. اما موسیقی شما اول باید روح داشته باشد، وقتی روح وجود داشته باشد، تکنیک تنها به‌شما کمک می‌کند که بتوانید موسیقی‌بی بسازید که مردم را خوشحال کند. اگر شما با روح ساز بزنید، شنوندگان احساس خوبی پیدا می‌کنند. اما اگر فقط تکنیک داشته باشید و خیلی سریع ساز بزنید، اصلاً چیز مهمی نیست. شما باید با روح ساز بزنید، همان چیزی را که می‌اندیشید و حس می‌کنید، اما به‌وسیلهٔ تکنیک، فقط هر چیزی را که بخواهید می‌توانید بزنید.

وقتی که همزمان با گیتار زدن، با دهان نیز نت‌های آن را می‌خوانید، این‌طور به‌منظور می‌رسد که خواست و میل ذهنی شما به‌واقعیت وجودی‌تان تبدیل می‌شود.

بله، کاملاً درست است. این چیزی است که همیشه سعی در انجامش داشتم و هیچ مشکلی در این زمینه ندارم. هر چیزی را که بخواهم توانایی نواختن‌اش را دارم.

در واقع شما اول صدای گیتارتان را در ذهن‌تان می‌شنوید.

بله، بله. خیلی چیزهایی را که مثلاً حدود ۱۰ سال پیش می‌شنیدم ولی نمی‌توانستم بزنم ولی حالا هر چیزی را می‌تونم بزنم. پس حالا ذهن من، گیتار من است. این خیلی مهم است که هنگام نواختن برائرتی باشید. وقتی با انرژی ساز بزنید از عکس‌العمل شنوندگان می‌توانید بفهمید که چیزی توی موسیقی شما وجود دارد ولی اگر کسکسل‌کننده ساز بزنید، می‌بینید که

شنوندهگان هم گسل می‌شوند.

چه رابطه‌ی با شنوندهگان کنسرت‌هایتان برقرار می‌کنید؟ آیا یک رابطه متقابل بین شما و آن‌ها وجود دارد یا اینکه فقط شما هستید که آن‌ها را به حرکت می‌انگازید؟

اگر که روی تماشاگران نور وجود داشته باشد و من بتوانم آن‌ها را ببینم. آن وقت یکی از آن‌ها را انتخاب می‌کنم و برای او سازه می‌زنم. اگر مرد یا زنی را در نظر نی‌ان بینا بدانم که واقعاً در حال لذت بردن باشد به‌خوبی می‌گویم که خوب، پس امشب برای این آدم گیتار می‌زنم، و تا پایان اجرا او را نگاه می‌کنم ولی مثل اجراهای این دو شب، و اکثر اجراها تماشاگران توی تریکی هستند و من نمی‌توانم آن‌ها را خوب ببینم. مثل دیسکو و پربش که یک نورافکن مستقیم توی چشم ما بود و ما هیچ کس را نمی‌توانستیم ببینیم. فقط یک خیل عظیم تریک از مردم را می‌دیدم که ایستاده یا نشسته‌اند و در این جور مواقع برای خودم می‌زنم ولی خوب سعی می‌کنم یک چیزی از تماشاگران بگیرم.

ممکن است در مورد جز و روح کلی این نوع موسیقی صحبت کنید. البته البته نمی‌خواهم که خیلی وقت‌تان را بگیرم.

نه اصلاً من تا نوازند ۹ شب که اجرا داریم وقت دارم. کسانی که این دو شب این کنسرت را دیدند واقعاً از موسیقی جز لذت برده‌اند ما به‌نوعی موسیقی جز را می‌شناسیم ولی نه خیلی زیاد. گاهی اوقات به‌ان گوش می‌دهیم، اما این‌جا نوازنده جز و یا گروه‌ها جز نداریم و ممکن است کسی در این مورد صحبت کند؟

می‌دانید، الان زمانی رسیده که می‌توانید همه چیز را بشنوید. از JAZZ و همین‌طور از اینترنت می‌توانید کلی نت و چیزهای مختلف بگیرید. شناسنامه متفاوتی در جز وجود دارد، شاید حدود پنجاه شاخه مختلف مثل جز مدرن، جز آزاد، جز سوئیج و بسیاری از شاخه‌های دیگر، می‌شد شاخه‌های مختلفی را انتخاب کرد ولی خوب من شخصاً به جز آزاد Free Jazz علاقه ندارم و توی این شاخه کار نمی‌کنم. نمی‌توانم درکش کنم و دوستش ندارم. من بیشتر شاید جز تلفیقی Fusion Jazz کار می‌کنم و یا پاپ جز. اخیراً یک CD با یک گروه پاپ جز بیرون دادم ولی خوب حالا خیلی راحت می‌شود راجع به جز چیزهای زیادی یاد گرفت. می‌توانید نت‌هایش را از اینترنت بگیرید و تمرین کنید و بزنند. اما در کشور ما عمومیت چندانی ندارد. موسیقی جز بیشتر در آمریکا عمومیت دارد. علاقه‌مندان جز در کشور من و آمریکا ممکن است درصد مساوی داشته باشند اما جمعیت ما فقط دو میلیون نفر است و تعداد کمی شنونده جز داریم ولی در آمریکا این تعداد بسیار بیشترند. جز در شمال اروپا

خیلی طرفدار دارد. در کشورهای اسکانديناوی، در جولای گذشته در فستیوال جز کپنهاگ در دانمارک برنامه اجرا کردم که فستیوال بزرگی بود و سه هفته ادامه داشت و همه بودند آن‌جا خیلی عمومیت دارد و واقعاً در این زمینه فعال هستند و دخترهای حرفه‌ای بسیاری در این زمینه دارند و روی جز کار می‌کنند. حدود ۱۵۰ CD جز در سال منتشر می‌کنند من همیشه دوست داشتم که بیشتر راک و پاپ بزنم ولی دوست داشتم در مورد سازم چیزهای بیشتری یاد بگیرم. اگر بخواهید به‌طور موسیقی جز بروید، مدرسه‌ای برای گیتار برنی وجود ندارد. ولی اگر جز یاد بگیرید، چیزهای بسیاری در مورد هارمونی و بسیاری چیزهای دیگر یاد می‌گیرید. راک و پاپ کار کردن ساده‌تر است فقط کافی است که نت را بگیرید، هدفون روی گوشتان بگذارید و ضبط کنید.

در مورد نوازندگی گیتار چه چیزی را مهم‌ترین تمرین می‌دانید؟

مهم‌تر از تمرین کردن، زدن با گروه‌ها و یا سه با چهار نفره است یا شش نفره. شما باید در یک گروه باشید این مهم‌ترین مسأله است. می‌توانید در خانه تمرین کنید ولی موثر نیست باید با گروه کار کرد. وقتی در خانه هستید یک نکه را می‌گیرید و همین‌طور می‌زنید و هر اتفاقی می‌تواند در این میان بیفتد ولی وقتی در گروه هستید اگر اشتباه کنید گروه به‌هم می‌ریزد و هماهنگی از بین می‌رود. پس وقت زیادی ندارید و باید سریع فکر کنید و سریع سلاز بزنید. باید فکر کنید و در اهنگ باشید یا گروه این واقعاً مسأله مهمی است.

با ورود سیستمی‌سایز و دستگاه‌های صداسازی به عرصه موسیقی، هراز چنگاه صحبت‌هایی درباره پاهای این گونه نوازندگی گیتار به گوش می‌رسد. شما در این باره چه نظری دارید؟

خیلی‌ها کارهای زیادی کردند، درام و گیتار و دیگر چیزها را با ماشین زدند ولی هیچ وقت مثل گیتار و درام واقعی نبود. هیچ صدایی در دنیا نمی‌تواند با صدای یک گیتار کلاسیک خوب، گیتار راک و یا جز خوب برابری کند. در استودیو هر لحظه به گیتار نیاز دارید، ممکن است بتوانید صدای درام یا Bass را با ماشین برابری کنید ولی به حد کافی خوب نیست. من در خانه یک استودیو برام می‌زنم و صدای درام و Bass را با ماشین می‌سازم ولی همیشه می‌خواهم یک یک نوازنده درام و نوازنده Bass کنارم باشد. و گاهی بلاش (نوازنده پیانو گروه Josseli) را احدا می‌کنم تا برام پیانو یا سیستمی‌سایز بزنند و من ضبط می‌کنم.

وقتی تاریخ موسیقی راک را مرور می‌کنید با ظهور مودی بلوز و بیتلز، ارکستر وارد موسیقی راک شد ولی برای مدتی فراموش شد اما دوباره در این سال‌های

اخیر ارکستر دوباره وارد موسیقی راک شده شما در این‌باره چه فکر می‌کنید. این نوع بازگشت به موسیقی کلاسیک و ترکیب آن با راک است یا این‌که فقط یک اتفاق محسوب می‌شود؟

نه آن‌ها فقط می‌خواهند خبرها را بزرگ‌تر کنند. گروه‌های راک معمولاً چهار یا پنج نفرند و بعد با خود گفتند: بیا بیاید فلان ارکستر فلانارکست را بیاوریم و این‌ها تبدیل‌شوند. برای ارکستر کورنبل و اجراهایشان یاد بگیرند. ولی برای مدتی فراموش شد که به‌منظر ما هم همه چیز در حال برگشت است. حالا هستنوازندگان زنده می‌خواهند. کامپیوتر و سیستمی‌سایز می‌توانند همان صداها را بسازند ولی خوب راضی‌کننده نیست.

باز هم در مورد ایران می‌خواهم بپرسم بلاش (نوازنده پیانو) می‌گفت که به‌شما توصیه کردند که به ایران نهایید و از این قبیل حرف‌ها.

ته به‌طور صریح ما را منع نمی‌کردند. اما ما به خودمان می‌گفتیم: کجا داریم می‌رویم؟ می‌دانید همیشه آن طرف جایی بود که ما همیشه کار می‌کردیم مثل اروپا، آمریکا، روسیه ولی خوب هیچ وقت این‌جا کار نکردیم. یودیم. به‌همین دلیل نمی‌دانستیم کجا می‌رویم. برویم. به ما گفتند باید به تهران برویم و من گفتم «می‌خواهیم این‌جا چه کار کنیم؟» و ما فاندز گفت «می‌خواهیم جز بزنیم» و من گفتم ما واقعاً نمی‌توانم بازو کنم. فکر نمی‌کنم خوب بشه. اما خوب شد و عالی هم بود.

آیا دوست دارید باز هم به ایران بیاید؟

بله حتی صحبت‌هایی کردیم و ممکن است که سال آینده یک تور در ایران داشته باشیم، چهار یا ۱۰ کنسرت این‌جا داشته باشیم. بستگی به برنامه‌ها و تصمیمات دو طرف دارد. ولی ما این‌جا لحظات بسیار خوبی داشتیم. خیلی چیزها دیدیم و کاملاً خوب بود و من کاملاً خوشم آمد و دوست دارم باز هم به ایران بیایم.

حرف دیگری ندارید؟

شاید دفعه بعد که آمدم، بتوانیم با هم صحبت کنیم و برای دو سه روز جلسه آموزشی گیتار بگذاریم و هر کس که علاقه‌مند بود بیاید. دوست دارم که جز را بیشتر به تهران وارد کنیم.

دوست دارید که در ایران تمرین کنید؟

بله حتماً ولی فکر می‌کنم باید کمی بیشتر کار کنم. شاید حدود ۱۰، ۱۵ سال دیگر. آن موقع شاید یک مدرسه گیتار تأسیس کنم و به نوازندگان جوان چیزهایی در مورد نوازندگی و ضبط یاد بدهم. خیلی ممنون از این‌که وقت‌تان را در اختیار ما گذاشتید.

خواهش می‌کنم. من هم لذت بردم.